

## پیشخوان

**اوراقی تازه یاب، در باب حیات علامه سیدمحمدحسین طباطبایی**

### در پیچه‌ای نو به کار نامه حکیم عصر

■ **محمد رضا کائینی**



شاید بتوان ادعا کرد که تنها زنده‌یاد استاد سید هادی خسروشاهی با عزم پیگیر خود، می‌توانست نیافته‌هایی خواندنی از زندگی علامه سید محمد حسین

طباطبایی تبریزی را فراهم آورد و در واپسین مجلد از مجموعه آثار آن بزرگ، به اهل نظر عرضه دارد. بی‌تردید خوانش این مجموعه، برای آنان که خواهان آگاهی‌افزون از حیات آن حکیم نامور عصر هستند، بس منتعم به شمار می‌رود. استاد خسروشاهی در دیباچه خویش بر این مجموعه نفیس چنین آورده است:

«تختشین بخش، شامل چند نامه استاد در پاسخ فردی است که خواستار ارائه طریق در سیر الی‌الله بوده و علامه طباطبایی با عنایت خاص، به آن پاسخ مثبت داده و برای راهیابی به مراحل عرفان عملی، روش‌های خاص ارائه نموده است. این رهنمودها را برادر محترمی سسیر و سلوک سبز نامیده بود که در این کتاب هم آن نام به‌کار گرفته شد. اما نامه‌ها، آنچه در این کتاب وجود دارد، به حسب ظاهر، جزو آثار علمی و مرسوم علامه فقید نیست و از کتاب‌های تألیفی او محسوب نمی‌شود، ولی حقیقت آن است که این مطالب و سطور مندرج در نامه‌ها و مراسلات علامه طباطبایی به اشخاص مختلف و به مناسبت‌های مختلف، حاوی حقایق و نکات بی‌مانندی است که اگر گفته شود در هیچ‌جای دیگر نمی‌توان نظیر نمونه‌ای برایش یافت، افرآق نیست. در واقع این کتاب با محتویات متنوع و متعدد خود، حاوی تصویری از حکیمی بزرگ، نویسنده‌ای سترگ، فیلسوفی دقیق‌النظر و مفسری شاخص است که شاید در جای دیگر، چنین تصویری قابل



■ **دهم ۵۰ قلم**
**زنده‌یاد علامه سیدمحمدحسین طباطبایی**

مشاهده و در یافت نباشد. بی‌تردید اگر بخواهیم از این نوشته‌ها، محتویات و مطالبی آن مطلبی به‌دست آوریم و تحلیل کنیم، نیازمند نگارش مقاله یا رساله‌ای مستقل خواهیم بود که از چارچوب این مقدمه خارج است. امیدواریم خوانندگان آگاه، دانشمند، فرهیخته و کاوشگران جامعه علمی، آنچه را که می‌توان از این بخش از نوشته‌ها و آثار علامه طباطبایی استخراج کرد، در کانون توجه قرار داده، حقایق تازه‌ای در پایه جنبه‌های ناشناخته اندیشه‌های علامه طباطبایی عرضه کنند.

نکته دیگری که در خصوص این کتاب باید یادآوری کنم، اشاره به زمان طولانی فرصت زیادی است که صرف تهیه، تدوین و تنظیم آن شده است. با توجه به گستردگی روابط علامه طباطبایی که تقریباً غالب صنوف علمی و فکری را شامل می‌شد و نیز با توجه به پراکندگی اشخاصی که این نامه‌ها، تفریط‌ها، مقدمه‌ها و یادداشت‌ها را داشتند، جمع‌آوری این گوهرهای پراکنده، کاری بس دشوار بود و محتاج تأمل و حوصله و پیگیری و جست‌وجو که توسط اینجانب سالیانی دراز به طول انجامید. به

ویژه که مراجعه‌های چندبار به کسانی که در دسترس بودند، با تلفن‌هایی بی‌شمار به اشخاصی که در داخل یا خارج در دسترس حضوری نبودند، در مدتی چندساله انجام پذیرفت. بدون مبالغه بیش از ۲۵ بار با اشخاصی و نهادهای علمی در داخل و خارج از کشور، به طور حضوری یا تلفنی یا مکتوب تماس گرفته شد که در مواردی همراه با مشکلاتی ویژه بوده است. در بعضی نامه‌ها و مکتوبات، روایات استاد علامه را در بی‌اعتنایی به زحارف دنیا، به درستی می‌توان دریافت. این بخش از وجود آن حکیم والامرتبه را می‌توان در وصیتنامه آثار و مؤلفاتش به امضای استاد رسیده است، دید و خواند. بخش اجزات و تقریظ‌ها بر کتاب‌های مختلف نیز بعد دیگری از آثار روح قدسی علامه و اشرف او بر منشورات قدیم و جدید را نشان می‌دهد…»

■ **انوشه میرمرعشی**

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، دشمنان نظام علاوه بر جنگ سخت (حمله نظامی و حمایت از ترور و کشتار و تحریم)، در جنگ نرم هم تمام قد به میدان آمده و علیه نظام جمهوری اسلامی فعالیت کرده‌اند. آنها از همان ابتدا با استفاده

از ابزار رسانه و یا دروغ پردازی‌های پرچم، وارونه‌نمایی، تهمت، دروغ برآکنشی و توهین سعی می‌کردند مردم را از نظام نوپای اسلامی دلسرد نمایند، به طوری که فعالیت مطبوعات ضد انقلاب در یک‌سال و نیم ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و توطئه‌های فراوان قلمی آنها علیه نظام نوپای اسلامی و انقلابیون مسلمان، سپس فعالیت رسانه‌هایی چون:راد یوبی‌بی‌سی، کیهان لندن و… در دهه ۱۶۰ جمله دشمنی‌های رسانه‌ای معاندین یا جمهوری اسلامی بوده است.

همچنین بعد از آن فعالیت دشمنان نظام، ابتدا در قالب شبکه‌های ماهواره‌ای و سپس هجمه‌های رسانه ایشان در فضای مجازی در سال‌های اخیر، ادامه همان جنگ نرم پیش‌گفته بوده است. اما فعالان رسانه‌های معتقد و متعهد به نظام جمهوری اسلامی در مقابل، جنگی وسیع

و بی‌امان را از همان سال‌های ابتدایی پیروزی آغاز کردند، با عناصر تبلیغی دشمنان نظام آغاز کرده و تا به اکنون ادامه داده‌اند. جنگی که جدای از بخش ابزار و امکانات مادی، به جهت منبایی و اندیشه‌گی نیز نیازمند مشخص شدن شاخص و ملاک‌های صحیح بوده و همچنان در طول عمر نظام جمهوری اسلامی، بارها و بارها درباره الزامات کار رسانه‌های شاخص‌ها و باید و نبایدهای آن ملاک‌هایی مهم و در خور توجه را به دست داده‌اند. سخنانی که امروز چراغ راه فعالان عرصه رسانه و قلم، برای جنگ با دشمن است. در مقال بی آمده، به چرایی لزوم توجه اصحاب قلم به ملاک‌ها و شاخص‌ها و همچنین شده توسط امامین انقلاب، در بخش رسانه و چگونگی آن نگاهی داشته‌یم. شایان ذکر است این مقال به مناسبت انتشار اثر پژوهشی «رسانه انقلاب» تألیف محمدجوادآخوان و نخستین کتاب منتشره از سوی انتشارات روزنامه «جوان» به شما تقدیم می‌شود. امید آنکه مقید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **روی مثبت و منفی گرایش مردم به مطبوعات!**
با شروع قرن نوزدهم، مردم کشورهای مختلف در اروپا و آسیا و حتی قاره امریکا روز به روز بیشتر به روزنامه‌ها و مجلات علاقه‌مند می‌شدند. این ابزار ارتباطی، از یک طرف می‌توانست صدای اتحادیه‌های کارگری و نماینده اصناف را به گوش مسئولان برساند و از جهت دیگر این بستر را ایجاد کرده بود که افکار عمومی را لّه یا علیه یک موضوع مدیریت کند و البته مطالب و اخباری جذاب را نیز به اطلاع مردم برساند. به همین دلیل بسیار زود، تحلیگران سیاسی و اجتماعی در کشورهای غربی – که اساس حکومت آنها بر لیبرال سرمایه‌داری استوار بود- به اهمیت این ابزار بی‌برند و مطبوعات را رکن چهارم دموکراسی نامیدند. این اما تنها بخش خوب و مثبت ماجرا بود، زیرا این گرایش به سکه مطبوعات، یک روی دیگر و متأسفانه منفی نیز داشت. در واقع با اطلاع اصحاب و اصحاب رسانه از میزان تأثیرگذاری مطبوعات بر



**منظومه فکری امامین انقلاب درباره ملزومات فعالیت رسانه‌ای**

**در آیینه پژوهشی نو انتشار**

# رسالتی که «رسانه انقلابی» بر دوش دارد



دهه ۶۰ بازدید آیت‌الله خمینی از واحد صفحه‌بندی روزنامه اطلاعات

در مقطع مشروطه و سپس ابتدای روی کار آمدن رضاخان، حتی بعد از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲. ش نیز اصحاب قلمی بودند که با راستی و درستی و با تکیه بر امانت و اخلاق، به انتشار روزنامه و مجله اقدام می‌کردند، اما تعدادشان نسبت به روزنامه‌ها و مجلات پر تیراژ و دارای سرمایه‌ای که مورد حمایت حکومت هم بودند، کم و در اقلیت بود. روزنامه‌ها و مجلاتی چون: «رسائل»، «دعوت اسلام»، «پرچم اسلام» و… ناشر حق و درستی و جمعی از مردم متدین و آگاه را به خویش جذب نموده بودند

و یا اینکه درباره ضرورت راستگویی توسط فعالان عرصه رسانه فرموده اند: «راستگویی، الان کشور خود ما کشور اسلامی است و از بسیاری از جوامع دنیا هم انصافاً بهتر و پاکیزه‌تر

من امیدوارم که بیدار بشوند- یک وقت ملت ما- یک وقت آزادخواه‌های ما هم بیدار شوند، از این غربی بودن بیرون بیایند، توجه بکنند به خودشان، خودشان را مستقل قرار دهند…» (صحیفه امام، جلد۸، صص ۲۵ و ۲۶)
به هر روی جنگ میان صاحبان قلم و فکر، از سوی دو طیف ضدانقلاب و انقلابیون مسلمان تا اوایل سال ۱۳۶۰. ش ادامه پیدا کرد، اما بعد از ورود دادستانی کل کشور و رأی به تعطیلی نشریات ضدانقلاب، آرامش به فضای رسانه‌ای کشور وارد شد.

■ **راستگویی و حق خواهی در رسانه**

پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، سرآغاز حرکتی آگاهانه برای ایجاد «تمدن نوین اسلامی» بود. هدفی که در آن رسانه و ابزارهای ارتباطی، قطعاً نقشی مهم و غیر قابل انکار داشته و همچنان دارند. بر همین مبنا نیز اصحاب رسانه و قلم، باید با پشتوانه قوی عقیدتی و فکری، در این عرصه ورود پیدا کرده و در آن گام برمی‌داشتند. به همین علت بنیانگذار

کبیر نظام جمهوری اسلامی از همان مقطع دهه ۶۰ ش شروع به تبیین بایدها و نبایدهای فعالیت در این عرصه کردند.<sup>(۱)</sup> به ویژه اینکه در همان زمان بودند افرادی که در داخل نظام با قلم خود اقدام به تحریف وقایع و حتی کلام امام خمینی می‌کردند تا جایی که حضرت امام در وصیتنامه خود – که در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۶۱. ش تنظیم شده است- به این مسئله اشاره کرده و فرمودند: «اکسون که من حاضریم، بعضی نسبت‌های بی‌واقعیت به من داده می‌شود و ممکن است پس از من در حجم آن افزوده شود. لہذا عرض می‌کنم آنچه به من نسبت داده شده یا می‌شود مورد تصدیق نیست، مگر آنکه صدای من یا خط و امضای من باشد، با تصدیق کارشناسان، یا در سیمای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشم…»

اینچنین و براساس آموزه‌های قرآنی چون «حق گویی، راستگویی و جنبه تربیتی داشتن محتواها» از مهم‌ترین آموزه‌ها و توصیه‌های امام خمینی به اصحاب رسانه بوده است. چنانچه ایشان در پیامی به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۶۳. ش خطاب به اصحاب رسانه فرمودند: «رسانه‌های گروهی به ضرر صدا و سیما، این مراکز آموزش و پرورش عمومی، می‌توانند خدمت‌های گرانبه‌ای را به فرهنگ اسلام و ایران نمایند. بنگاه‌هایی که شب و روز در سراسر کشور با آنها تماس صحیح و تہذیب جامعه مطبوعات در مقالات و نوشتارهای خود و چه صدا و سیما در برنامه‌ها و نمایشنامه‌ها و انکاس هنرها و انتخاب فیلم‌ها و هنرمندان متعهد، بخواهند تا در راه تربیت صحیح و تہذیب جامعه

اسلامی، طبیعتاً مردمی که با ارزش‌های دینی و هنجارهای مذهبی انقاب کرده بودند، توقع داشتند شاهد تغییرات مهمی در فضای رسانه‌ها به ویژه مطبوعات باشند. گرچه در بخش مطالب ضداخلاقی و جنسی این اتفاق افتاد و بعد از پیروزی انقلاب دیگر هیچ مطبوعه‌ای از ترس خشم انقلابی مردم، جرئت نکرد تا به انتشار مطالب مستهجن و مبتذل جنسی بپردازد، اما در بخش مقاله و گزارش و یادداشت نویسی، همچنان دروغگویی، تهمت‌زنی، وفور دیده می‌شد. مشاهده این رفتار صاحبان قلم ضدانقلاب، در یک‌سال‌ونیم ابتدای برقراری نظام اسلامی، موجب می‌شد که مردم بارها و بارها نسبت به این رفتار مطبوعات – که تحت عنوان آزادی قلم انجام می‌گرفت- اعتراض کنند، اما رسانه‌های ضدانقلاب به راحتی آن اعتراض‌ها را نادیده می‌گرفتند. حتی این رویکرد کزتابانه مطبوعات ضدانقلاب، به حدی رسید که امام خمینی (ره) در سخنانی خود در تاریخ ۹ خرداد ۱۳۵۸. ش در و درباری که با کارکنان کمیته‌های انقلاب فرزین داشتند، فرمودند: «ما از سرنیزه‌ها و مسلسل‌ها و اینها فارغ شدیم، سسر قلم‌ها حالا بر ضد ماست. قلم‌ها به جای سرنیزه‌ها آمده است!مقاله‌ها به جای مسلسل‌ها، حالا به روی اسلام بسته شده است. الان ما گرفتار سرنیزه نیستیم، ما گرفتار قلم هستیم، اهل قلم، ما گرفتار روشنفکرها هستیم. ما گرفتار آزادیخواه‌ها هستیم که آزادی را نمی‌دانند چیستا یعنی چه آزادی؟ ما الان گرفتار اینها هستیم و

برد. به نحوی که دروغگویی، تهمت‌زنی، اهانت به روحانیت شیعه به ویژه مشروطه خوانان، بازپیه دست سیاست‌های انگلستان شدن و… از جمله برای مهندسی ذهنان عموم جامعه در راستای تأمین آن زمان دیده می‌شد. اتفاق نامیمون و پرخسارتی که موجب شد پایه روزنامه نگاری در ایران با کژی و ناراستی همراه شود و در دوره پهلوی نیز ادامه پیدا کند. گرچه به همان مقطع مشروطه و سپس ابتدای روی کار آمدن رضاخان، حتی بعد از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲. ش نیز اصحاب قلمی بودند که با راستی و درستی و با تکیه بر امانت و اخلاق، به انتشار روزنامه و مجله اقدام می‌کردند، اما تعدادشان نسبت به روزنامه‌ها و مجلات پر تیراژ و دارای سرمایه‌ای که مورد حمایت حکومت هم بودند، کم و در اقلیت بود.

روزنامه‌ها و مجلاتی چون «رسائل» شهید آیت‌الله شیخ فضل الله نوری، «نسیم شمال» (به مدیریت سیداشرف‌الدین حسینی گیلانی)، «آئین اسلام»(به مدیریتمسئولی حاج مهدی سراج انصاری)، «دعوت اسلام» (به مدیریتمسئولی محمدتقی واحدی)، «پرچم اسلام» (به مدیریت دکتر فقیهی شیرازی) و… که به واقع ناشر حق و حقیقت و درستی و جمعی از مردم متدین و آگاه را به خویش جذب نموده بودند. صدالبته که بعد از کودتای ۲۸ مرداد، از یک طرف انتشار مطبوعات و مجلات دینی کم شد و از طرف دیگر، با انتشار رنگین‌نامه‌های مبتذل و مروج بی‌ندوباری در کنار طبع روزنامه‌های حامی حکومت شدت با آنها تکماس گروهی به ضرر صدا و سیما، این مطبوعه‌های تاریخ ایران معاصر ثبت شد.

■ **مطبوعات و رسانه‌ها، در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی**

با پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت نظام جمهوری اسلامی، طبیعتاً مردمی که با ارزش‌های دینی و هنجارهای مذهبی انقاب کرده بودند، توقع داشتند شاهد تغییرات مهمی در فضای رسانه‌ها به ویژه مطبوعات باشند. گرچه در بخش مطالب ضداخلاقی و جنسی این اتفاق افتاد و بعد از پیروزی انقلاب دیگر هیچ مطبوعه‌ای از ترس خشم انقلابی مردم، جرئت نکرد تا به انتشار مطالب مستهجن و مبتذل جنسی بپردازد، اما در بخش مقاله و گزارش و یادداشت نویسی، همچنان دروغگویی، تهمت‌زنی، وفور دیده می‌شد. مشاهده این رفتار صاحبان قلم ضدانقلاب، در یک‌سال‌ونیم ابتدای برقراری نظام اسلامی، موجب می‌شد که مردم بارها و بارها نسبت به این رفتار مطبوعات – که تحت عنوان آزادی قلم انجام می‌گرفت- اعتراض کنند، اما رسانه‌های ضدانقلاب به راحتی آن اعتراض‌ها را نادیده می‌گرفتند. حتی این رویکرد کزتابانه مطبوعات ضدانقلاب، به حدی رسید که امام خمینی (ره) در سخنانی خود در تاریخ ۹ خرداد ۱۳۵۸. ش در و درباری که با کارکنان کمیته‌های انقلاب فرزین داشتند، فرمودند: «ما از سرنیزه‌ها و مسلسل‌ها و اینها فارغ شدیم، سسر قلم‌ها حالا بر ضد ماست. قلم‌ها به جای سرنیزه‌ها آمده است!مقاله‌ها به جای مسلسل‌ها، حالا به روی اسلام بسته شده است. الان ما گرفتار سرنیزه نیستیم، ما گرفتار قلم هستیم، اهل قلم، ما گرفتار روشنفکرها هستیم. ما گرفتار آزادیخواه‌ها هستیم که آزادی را نمی‌دانند چیستا یعنی چه آزادی؟ ما الان گرفتار اینها هستیم و

بهتر، هرچه اسلامی‌تر، هرچه انسانی‌تر و هرچه به هدف‌های عالی‌اش نزدیک‌تر. هدف غیر از این که نیست. وقتی ملتی حرکت عظیم و انقلاب بزرگی را انجام می‌دهد، یک جمهوری با این عظمت را بنا می‌گذارد و در مقابل این همه تهاجمات، انطور از آن دفاع می‌کند، اهدافی دارد، این اهداف را ما باید با همه وسایل تعقیب بکنیم. ممکن است یک جا این اهداف در حال تصبیع باشد، ما باید جبران کنیم. منطقه ادب و هنر، یکی از جاهایی است که شما خیلی خوب می‌توانید در این زمینه کار کنید. مسائل ارزشی نظام را باید در نظر داشته باشید. آن جاهایی که با ارزش‌های نظام برخورد می‌کند، آن‌جاها را حتماً حذف کنید…» اگر جنبه‌های ارزشی مورد تأکید قرار گیرد، بسیار خوب است. جنبه‌های ارزشی را از آنها انتزاع و مطرح کنید؛ این می‌تواند ان‌شاءالله بسیار مفید باشد…» (۵ اسفند ۱۳۷۰. ش در دیدار با اعضای گروه ادب و هنر و صدای جمهوری اسلامی)

و یا اینکه درباره ضرورت راستگویی توسط فعالان عرصه رسانه فرموده اند: «راستگویی، الان کشور خود ما کشور اسلامی است و از بسیاری از جوامع دنیا هم انصافاً بهتر و پاکیزه‌تر و طاهرتر است، اما در عین حال شما ببینید خیلی از مشکلات داخل کشور ما، ناشی از نبودن همین صفت است، صدق الحدیث نیست، راستگویی نیست، راستگویی یعنی چه؟ یعنی شما حرفی را که می‌زنید، مطابق با واقع باشد. اگر دانستید مطابق با واقع است و گفتید، این عبارت است، اگر نمی‌دانید مطابق واقع است یا نیست، اما می‌گویید، این صدق نیست، صدق عبارت است از اینکه شما چیزی را که می‌دانید مطابق واقع است، بیان می‌کنید. فضای مجازی را ملاحظه کنید که بر اثر حرف، شایعه، دروغ، خلاف، تهمت، نسبت‌بدون واقعیت به این، به آن، به بالا، به پایین، به همدیگر، یک فضای دروغ در کشور به وجود می‌آید. ببینید، اینها اشکال است. پس اول صدق الحدیث، یعنی! همه سعی کنیم راست بر زبان جاری کنیم…» (۲۱ اسفند ۱۳۹۷. ش)

■ **همه منظومه فکری امامین انقلاب، نه بخشی از آن**

واقعیت این است که در حال حاضر – که برخی آن را دوران «حاکمیت رسانه» نیز می‌دانند- گروه، جریان و کشوری که رسانه نداشته باشد، از فضای سیاسی جهانی حذف خواهد شد. آن وقت در سببی که صهیونیسم بین‌الملل و امپریالیسم خبری برای تحکیم قدرت خود در جهان، با ابزار رسانه مشغول جنگ با حق و حقیقت هستند و البته با تحمیل ارزش‌های غربی، دروغ‌پراکنی و بازنمایی غیر واقعی مسائل، مشغول فریب افکار عمومی کشورهای مختلف هستند، پس باید برای جنگ با این امپراطوری فریب و دروغ روزی به روز قوی‌تر و مجهز‌تر شد،<sup>(۲)</sup> اما مجهز شدن به براساس معیارهای دینی و الزامات عقیدتی ما باشد. چنانچه رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره این معیارها و الزامات می‌گویند: «رسانه ملگم بخواهد به عنوان مهم‌ترین ابزار فرهنگی در کشور، از عین این کار بر بیاید، باید این چیزها را در خودش تأمین کند: امین نظام باشد، مورد اعتماد مردم باشد، بر خوردار از مزیت‌های رقابتی باشد، امروز رقبای ما زیادند، چه رقبای منطقه‌ای، چه رقبای بین‌المللی. ما باید در مقابل این رقبا، خود را از مزیت‌های رقابتی بر خوردار کنیم. ظرفیت بالا در کم و کیف محصولات، هر دو مورد نظر است. نباید کمبود، کیفیت را تحت‌الشعاع قرار دهد و بالعکس…» (بیانات رهبری در دیدار با مسئولان سازمان صداوسیما، مورخ ۱۱ آذر ۱۳۸۳. ش)
در عرصه اقدام مطبوعاتی کارآمد، قطعاً باید به این نکته بسیار مهم هم نیز توجه داشت که اصحاب رسانه برای ملتزم شدن به این معیارها و بایدها و نبایدها، حتماً باید کل منظومه فکری امامین انقلاب را درباره رسالت رسانه در نظر داشته باشند و از گزینش بخشی از سخنان آنها و به فراموشی سپردن بخشی دیگر، جدا خودداری کنند. منظومه‌ای که در آن به ملاک‌ها در: «اخلاق و رسانه»، «حقوق و تکالیف رسانه»، «مأموریت و وظایف اصحاب رسانه در زمینه خیر، تحلیل، فرهنگ و آموزش»، «اهداف و آرمان‌ها در فضای رسانه»، «شناخت روش‌ها و مأموریت‌های دشمن در فضای رسانه» و در نهایت «نحوه مدیریت رسانه برای مقابله با دشمن و جهانی کردن پیام انقلاب اسلامی» توجه کامل و جامع شده و زوایای مختلف آن توسط امامین انقلاب تبیین شده است، زیرا برای رسیدن به اهداف بلند نظام در ایجاد تمدن نوین اسلامی – که از کان آن توسط امامین انقلاب تبیین شده است<sup>(۳)</sup>- نمی‌توان با گزینش سلیقه‌ای در این عرصه گام برداشت.

■ **منابع:**

۱- آخوان، محمدجواد، «رسانه انقلاب»-رسالت افکار عمومی در قرآن و منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی- انتشارات دیمان (جوان)، چاپ اول ۱۴۰۱. ش
۲- گودرزی و دیگران، غلامرضا و… مقاله «هدایت افکار عمومی در قرآن و منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی»، فصلنامه تخصصی مدرسه حکایت شهید بهشتی، شماره ۹، سال سوم، بهار ۱۴۰۱. ش
۳- نجاران طوسی، حامد، مقاله «الگوی نقش آفرینی حوزه و دانشگاه در تمدن‌سازی مبتنی بر منظومه فکری امامین انقلاب»، فصلنامه بهار، دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۴۰۱. ش